

محرمی ترین گوشه محله چینر



سیدمروش طباطبایی پور

نقل است در گذشته‌های دور در محله چیندر، به‌جای باغداری و دارودرخت، کشاورزی و دامداری رونق داشت، مردمانش گندم و جو می‌کاشتند و به‌خصوص محصول زرخیز گندم این منطقه آن‌قدر طلایی و چشمگیر بود که به آنجا «چوزر» می‌گفتند که به‌تدریج به «شیزر» و «چیندر» تبدیل شد. اما مثل بسیاری دیگر از محله‌های تهران، چیندر هم به‌مرور شکل روستایی و معصوم خود را از دست داد و به جایی تبدیل شد که اکنون می‌بینید.

تاریخش

سال‌ها پیش در محله چیندر گورهایی باستانی کشف شد که روی برخی از آنها «شیزر» نوشته شده بود و همین موضوع نشان می‌دهد که ایرانیان از گذشته‌های دور در اینجا ساکن بوده‌اند؛ اما بافت روستای چیندر آهسته‌آهسته از عهد قاجار تغییر کرد و کشتزارهایش از بین رفت و به‌جای آنها باغ‌ها و عمارت‌های قجری سر بر آورد؛ عمارت‌هایی مثل باغ ظهیرالاسلام، باغ مجدالدوله و باغ مستشارالدوله. در سال ۱۳۲۰ طایفه‌ای گرجی هم به این منطقه مهاجرت کرد و با ساخت‌وسازهای خود معماری این محله را بیشتر دگرگون کرد، آن‌قدر که در دهه ۴۰ شمسی همراه با توسعه تهران، چیندر هم به یکی از محله‌های تهران تبدیل شد.

لوح‌های چیندر

چیندری‌های قدیمی برای آنکه خودشان و دام‌هایشان از دست راهزنان و حیوانات وحشی در امان بمانند، زیر خانه‌هایشان تونل‌هایی زیرزمینی می‌کنند که به آنها «لو» می‌گفتند. یکی از معانی «لو» به زبان ترکی محل سکونت است. ارتفاع این راه‌های زیرزمینی مخفی به حدی بود که یک آدم می‌توانست در آن جای بگیرد. حتی تا زمانی که چیندر شکل روستایی خودش را از دست نداده بود، چیندری‌ها دام‌های خود را در لوها نگه می‌داشتند. البته به‌خاطر ساخت‌وسازهای این سال‌ها دیگر اثری از این لوها باقی نمانده است.

امامزاده‌اش

این روزها که عطر محرم هوش از سر تمام عاشقان اباعبدالله الحسین برده، بقعه امامزاده علی اکبر چیندر به مأمنی برای دلسوختگان حسین (ع) تبدیل شده. این مرد روحانی که انگار نسبش به امام چهارم شیعیان می‌رسد، زیر درخت چناری در این محله به خاک سپرده شده که چیندری‌ها آنجا را به زیارتگاهی معنوی برای خود تبدیل کرده‌اند. برخی می‌گویند اینجا ۹۰۰ سال قدمت دارد و بنای اولیه این امامزاده بنایی خشتی و ساده بوده، در ابعاد ۴ در ۴ متر. در عهد قاجار اهالی این محله کمی به آن رسیدگی کردند؛ اما سال‌ها بعد بنا رو به تخریب گذاشت. پس از انقلاب و بعد از آنکه برخی شهدای جنگ تحمیلی در این فضای معنوی آرام گرفتند، بقعه کنونی امامزاده از سال ۱۳۷۰ ساخته و به یکی از قطب‌های زیارتی تهرانی‌ها بدل شد. در این روزها و شب‌های محرمی، مراسم عزاداری باشکوهی در این مکان معنوی برپا می‌شود.

در جوار این امامزاده موزه شهدا جا خوش کرده. وصیت‌نامه‌ها، دست‌نوشته‌ها، تسبیح و قرآن و جانماز و دیگر آثار به‌جای‌مانده از شهدا آدمی را محو تماشای خود می‌کند.

اکنونش

با وجود همه ساختمان‌ها و بناهای مدرن این محله، هنوز در برخی کوچه‌پس‌کوچه‌های چیندر بوی گذشته به مشام می‌رسد. این محله از شمال به محله فرمانیه، از جنوب به بزرگراه صدر، از شرق به خیابان کامرانیه (شهید بازردار) جنوبی و از غرب به محله قیصر به محدود می‌شود.



فاطمه عباسی

در روزهای آغازین محرم نبش تهران جور دیگری می‌زند، به ویژه حوالی امامزاده صالح (ع) شمیرانات که با پوششی از ببرق‌ها و پرچم‌های غزا حال و هوای شهر را دگرگون کرده است. از همان غروب که آسمان سستگین تر می‌شود خیابان‌های شلوغ تخریش تا گوشه‌گوشه صحن امامزاده پناه دل‌های خسته و بی‌قرار است. انگار تک‌تک رهگذران، زخمی به دل دارند که جز اشک ریختن در هیئت ریحانه‌النبی و شنیدن زغمه‌های جانسوز محمدحسین یونانفر برایش مرهمی نیست. اینجا هر نگاه، روضای ناتواشته‌است و هر نفس، قصه دلداده‌گی تازه‌ای. دل‌ها این شب‌ها به شوق حسین (ع) دوباره به هم نزدیک می‌شوند و فضای امامزاده صالح (ع) را با معنویت خاصی لبریز می‌کنند.

این شب‌ها یارک‌ها و خیابان‌های در بند و تخریش دیگر مجال سکوت نمی‌یابند. موج جمعیت به‌سوی امامزاده جاری است؛ مردوزن، پیر و جوان و حتی کودک‌کان خردسال. هیئت ریحانه‌النبی، بی‌شک یکی از معروف‌ترین هیئت‌های عزاداری شمال تهران است و حالا سال‌هاست در شب‌های محرم کسی نمی‌تواند به آسانی داخل صحن برای خود جادست و پا کند. صف‌های بلند و چشم‌هایی که از هر طرف برایش آمده‌اند؛ گریه، دعا و امید. عاشورا تنها یک اتفاق یا آیین جمعی نیست؛ تمنای دل‌هایی است که دلخوش حضور در جمع دوستداران حسین‌اند. هیئت ریحانه‌النبی با مداحی گرم و پرشور محمدحسین یونانفر، شوق عاشورایی را در صحن امامزاده صالح (ع) به اوج می‌رساند.



پرچم سرخ و دستان افراشته، روایتی از وفاداری و عهد دوباره با حسین (ع) است. شور و اشک عزاداران، شب‌های هیئت را به شعری از حماسه و عشق بدل کرده است.



لحظه‌ای آمیخته به احساس، وقتی یونانفر با صدایی لرزان و نگاهی پر از شور، کلمات روضه را بر زبان جاری می‌کند. عرق پیشانی‌اش گواه سوز درون و اشک نهفته است؛ اینجا روضه نه فقط در واژه‌ها که در حال و جان مداح می‌تپد.



زنانی سیاه‌پوش با دلی آکنده از دل‌تنگی، گوش به نوای روضه سپرده‌اند؛ جمع‌شان گرم، نگاه‌شان مات و دل‌شان در غربت کربلاست. در این صحنه، اشک و زمزمه مادرانه با عطر ایمان در هم آمیخته.

برای بسیاری همین شلوغی، خود جزئی از جاذبه هیئت است. در ازدحام، احساس جمعی، همدلی و ناگفته‌هایی که در نگاه‌ها جا مانده، ملموس تر می‌شود. روضه‌ها از حیاط امامزاده و بلندگوی اصلی تا گوشه‌های فرعی و حتی مغازه‌های اطراف به گوش می‌رسد. صاحبان مغازه‌ها شب‌ها چراغ مغازه را روشن نگه می‌دارند، آب یا چای نذری در لیوان می‌ریزند و به رهگذران تعارف می‌کنند. انگار تهران شسلوغ و پربهاوه، همین جا تا ابداد آرام می‌گیرد؛ جایی که صدای مداح و دستان رو به آسمان عزاداران، هر شب دل‌ها را به ایمان و عشق به اهل بیت گره می‌زند.

هیئت ریحانه‌النبی خیلی‌ها را از گوشه و کنار شهر می‌کشاند این سمت؛ آن‌هم نه فقط برای مداحی و شوری که در دل شب شکل می‌گیرد، بلکه به خاطر فضای صمیمی، جمعیت بی‌تکلف و حس بی‌زمانی که انگار آدم را از هر کجا که هست، جدا می‌کند. عزاداران اگر شب‌شود و داخل صحن جایی نباشد پر فرش‌های حیاط، حتی روی زمین اطراف امامزاده آرام می‌گیرند. بساط اشک، دعا و دلداده‌گی همیشه برپاست. هر شب این شکوه در هیئت ریحانه‌النبی جاری است؛ جمعیتی که هر سال پر رنگ تر می‌شود. صدای مداحی، هباهوی گر به‌ها، دست‌های رو به آسمان، نورهای سرخ صحن و نذری‌هایی که با عشق ریخش می‌شود. اینجا امامزاده صالح (ع) است؛ جایی که تهران هر شب محرم با یاد حسین (ع) زنده می‌شود و دستان عزاداران دل‌های شکسته را به مهر و امید پیوند می‌زند.



شب‌های محرم در صحن امامزاده صالح (ع)، جایی که نور سرخ، حریم عاشقان را روشن می‌کند و سایه‌ها روی امید و اشک مردم نقش می‌بندد. جمعیتی آرام و بی‌قرار در پناه امامزاده گرد آمده‌اند تا دل‌هایشان را به یاد حسین (ع) آرام کنند.



فضای درخشان و سرخ صحن، جایی که زمزمه‌ها و بغی‌ها با نوای مداحی در هم می‌آمیزد. همه یک‌دل نشسته‌اند تا دقایق را در کنار هم در غم حسین (ع) و خاندانش تقسیم کنند.



دستان بالا رفته و قلب‌های جریحه‌دار، هم صدا و هم‌نوا با نوای مداح، صحنه‌ای از اوج عشق و دلداده‌گی به سیدالشهدا (ع) را خلق کرده‌اند. اینجا شب‌های محرم، اوج همدلی و اشتک است.

تهران نامه

تجزیه خوانی از نگاه خارجی‌ها



گزارش‌های سفری که از غربیان از ایران برجای مانده، منابع بسیار ارزشمندی برای پژوهش در آیین‌های عزاداری محرم است. آداب و رسوم، کمیت و کیفیت عزاداری در جامعه ایران مورد توجه نویسندگان سفرنامه قرار داشته‌است؛ گرچه خالی از دیدگاه‌های مغرضانه هم نیست. تجزیه‌خوانی در عهد قاجار به اوج رسید و برای سیاحان خارجی آنقدر جالب بود که همگی در سفرنامه‌هایشان از آن یاد کرده‌اند. هانری بایندر، سیاح آلمانی می‌نویسد: «دایر کردن تجزیه یک کار خیر است و هر کسی به‌نجوی در تشکیل و جریان مراسم کمکی کرده باشد امید دارد از ثواب اخروی برخوردار گردد». ارنست اورسل، جهانگرد بلژیکی درباره این ایام سوگواری در کتاب خود با نام «سفرنامه اورسل» اینطور نوشته است: «به گمان هیچ کس در دنیا قادر نیست میزان ناامیدی و خشم و ترحمی که قلب این‌جمعیت انبوسه را می‌پزند، توصیف کند. لعن و نفرین خشم اوده علیه یزد، شمر و استمداد پرشور از امامان و صدای گریه‌های بغض‌آلود در فضای پهناور تکیه طنین‌انداز بود و از سینه پر درد هزاران نفر آواز حسین! باصفا و صداقت بی‌شائبه بیرون می‌چید». یاکوب ادوارد پولاک، پزشک ناصرالدین‌شاه نیز در توصیف تجزیه روز دهم محرم می‌نویسد: «سرانجام در روز دهم داستان شهادت به نمایش گذارده می‌شود. آدمکی چوبی که نماینده جبرئیل است از رستمایی پایین می‌اید تا روح‌الامه را تا عرصه بهشت همراهی کند. پیش از آن اسب‌های بزرگان مملکت را که آراسته شده‌اند به میدان آورده‌اند. یک اروپایی در اینجا فرصت به‌دستی می‌آورد که بعضی از اسبان اصیل را هم ببیند».

تهران مصور

تابلو تاریخی در تکیه حصار بوعلی



در تکیه تاریخی حصار بوعلی که قدمتش به دوره قاجار می‌رسد، یک نسخه بسیار ارزشمند نگهداری می‌شود؛ یک نقاشی پوستی از واقعه عاشورا که خیمه‌گاه شهیدان کربلار را در برابر لشکر دژخیمان به تصویر کشیده‌است. این نقاشی نیز قدمتی به اندازه خود تکیه دارد و آنطور که قدیمی‌های محله حصار بوعلی می‌گویند حدود ۲ قرن پیش به تصویر درآمده‌است. در تکیه حصار بوعلی رسم بر این بود که تابلو نقاشی بعد از ظهر عاشورا را برای اجرای مراسم نخل‌گردانی روی نخل کهن تکیه نصب می‌کردند. اکنون اما چند سالی است که این نقاشی تاریخی بالای منبر تکیه جای دارد تا از آسیب‌های احتمالی مصون بماند. با وجود این، نقاشی دیگری مشابه با آن را برای اجرای رسم نخل‌گردانی هر سال روی نخل تکیه قرار می‌دهند.

